

ویژگی های شخصیتی و رعایت اخلاق حرفه ای در مشاوران و روان شناسان

اردشیر کیانی^۱، شکوه نوایی نژاد^۲ و خدابخش احمدی^۳

این پژوهش، با هدف بررسی رابطه ی بین ویژگیهای شخصیتی مشاوران و روان شناسان و رعایت اخلاق حرفه ای آنان صورت گرفته است. برای این منظور، ۱۱۰ نفر از مشاوران و روان شناسان شهر تهران به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و با پرسشنامه ویژگیهای شخصیتی و پرسشنامه محقق ساخته ی اخلاق حرفه ای مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که ویژگیهای شخصیتی با میزان رعایت اصول اخلاقی توسط روان شناسان و مشاوران رابطه ی معنا داری دارد.

واژه های کلیدی: ویژگیهای شخصیتی، اخلاق حرفه ای، مشاوره و روان شناسی.

مقدمه

شخصیت، اغلب اوقات به عنوان نیروی سازمان دهنده ی رفتار آدمی در نظر گرفته می شود و از این رو همواره جایگاه برجسته ای در روان شناسی داشته است. واقعیت آن است که، تمام چیزهایی را که تاکنون بدست آورده ایم یا انتظار داریم در آینده بدست آوریم و حتی حالت سلامت عمومی ما می تواند تحت تاثیر شخصیت ما و شخصیت افرادی قرار گیرد که با آنها تعامل داریم (شولتز، ۱۹۹۷).

تردید نیست که روان شناسان و مشاوران در ارتباط خود با مراجعان، از تاثیر باورها، ارزشها و آرمانها و گاه راز و رمزهای درونی خود رها نیستند، به همین دلیل، گاه گفته می شود که یک مشاور و روان درمانگر علاوه بر طی آموزشهای دقیق و طولانی، خود باید دارای ویژگیهای شخصیتی خاص باشد تا بتواند روان درمانگر موفق شود. مشاوره و روان درمانی، شامل روابط عاطفی و فکری

۱. کارشناسی ارشد مشاوره

۲. استاذ دانشگاه تربیت معلم www.SID.ir

۳. دانشیار مرکز تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله

نزدیک میان دو انسان است و در این رابطه، خصوصیات شخصیتی مشاور تاثیر بسزایی در مراجع دارد. یک روان درمانگر خوب باید با خلوص نیت، به مسایل درمانجو علاقمند باشد ولی در عین حال از مداخله عواطف خود در کار روان درمانی، جلوگیری نماید. یک روان درمانگر، در مرحله نخست، باید کوشش کند تا احساسات، افکار، تمایلات و انگیزه های خود را بشناسد و از این طریق بتواند قادر به شناخت و فهم روحیات مراجعان شود. افرادی که به منظور ارضای نیازهای ناشناخته ی خود داوطلب کمک به دیگران می شوند و افرادی که میل به رهبری و ارشاد و هدایت و نصیحت به دیگران در آنها شدید است، نمی توانند روان درمانگران خوبی باشند و باید از اقدام آنها به مشاوره یا روان درمانگری جلوگیری نمود (خاکپور، ۱۳۷۴).

از سوی دیگر، هیچ نهاد یا حرفه ای نیست که قادر باشد فارغ از اخلاق که مرزهای سلوک و رفتار بهنجار را معین می کند، به حیات مشروع خود ادامه دهد. اخلاق هر جامعه، معیار بایدها و نبایدهای آن را تعیین می کند و انسان اجتماعی را در مسیر زندگی آینده ی خود به سمت کمال، فضیلت و سعادت هدایت می کند. اخلاق، هم خاستگاه دینی دارد و هم متأثر از عرف، فرهنگ، تاریخ و سایر پدیده های اجتماعی است. در واقع، بین این مفاهیم و پدیده های اجتماعی و اخلاق، تعامل دایمی وجود دارد که باعث می شود در طول زمان، اصول، ارزشها و هنجارهای جامعه صیقل بخورد و الگوهای موجه و مقبول رفتار فردی و جمعی را تشکیل بدهد. (احمدی، ۲۰۰۸)

در اوایل دهه ی ۱۹۸۰، لوزیتو^۱ (۱۹۸۰) و ون هوس^۲ (۱۹۸۰) اصول اخلاقی را پایه ی اصلی اعمال یک مشاور و روان شناس می دانستند. در خلال ۱۵ سال گذشته، موضوعات مربوط به اخلاق حرفه ای پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته و مطالعات منظم در این زمینه، رو به گسترش نهاده است (وایس^۳، ۲۰۰۷). سالها پیش، اخلاق به عنوان یک استاندارد و معیاری برای حرفه، تعریف شد (لوی^۴، ۱۹۷۲). این تعریف پایه، با وجود گستردگی و پیشرفتی که علم مشاوره پیدا کرد، سالها دست نخورده باقی ماند. اکنون پس از گذشت چند دهه، اصول اخلاقی، کماکان از دغدغه های بسیار مهم مشاوره و روان درمانی است. عده ای (برادلی^۵ و همکاران، ۲۰۰۱؛ چا^۶ و همکاران، ۲۰۰۴؛ کوری^۷ و همکاران، ۲۰۰۳؛ کوتن و تارویداس^۸، ۱۹۹۸؛ هرلیهای و کاری^۹، ۱۹۹۶؛ کیچنر^{۱۰}، ۱۹۸۴؛

1.Losito

2.Wen Hoose

3.Wise

4.Levy

5.Bradley

6.Chae

7.Corey

8.Cottone & Tarvydas

9.Herlihy & Carey

10.Kitchener

رملی و هرلیهای^۱، ۲۰۰۵؛ اورافسکی و سوآ^۲، ۲۰۰۴؛ ولفل^۳، ۲۰۰۲ عقیده دارند که در علم مشاوره، مشاوران و روان درمانگران، روزانه و گاهی چندین بار در روز با مسایلی مواجه می شوند که مرتبط با این اصول اخلاقی و حرفه ای است. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

براساس تعریف رملی و هرلیهای (۲۰۰۵) اخلاق، بیان کننده ی باورهای یک گروه حرفه ای درمورد این است که چه چیزی درست و مرتبط با استانداردهای همان حرفه است. هریک از حرفه های مرتبط با انسان، حوزه ها و ابعاد مختلفی دارد که برخی مشترک و برخی دیگر مختص آن حرفه هستند. علی رغم این تفاوت به نظر می رسد، اصول اساسی در تمامی حرفه های یاری رسان از قبیل روان درمانی، مشاوره، روانپزشکی، مددکاری و مشاوره ی مذهبی، یکسان است (آستین^۴ و همکاران ۱۹۹۰؛ کوری^۵ و همکاران، ۲۰۰۴؛ کوتن و کالوس^۶، ۲۰۰۰؛ هانس و گولدبرگ^۷، ۱۹۹۹).

ضوابط اخلاقی مشاوره و روان درمانی، دامنه ی وسیعی دارد. معمولاً این ضوابط حداقل استانداردهای رفتار درمانگر را مشخص می کند و از رفتارهای ممنوع جلوگیری می کند. بین پیروی صرف از ضوابط اخلاقی و داشتن تعهد عملی نسبت به ضوابط اخلاقی سطح بالا نیز، تفاوت زیادی وجود دارد. تعهدات اخلاقی، مستلزم عملکرد اخلاقی است و ارتقا معیارهای اخلاقی، مستلزم دستیابی به استانداردهای مطلوب رفتاری است. درمانگرانی که به ضوابط اخلاقی سطح بالا متعهدند در صدد انجام هر نوع خدمت حرفه ای بر می آیند که برای مراجعانشان مفید باشد (هرلیهی و کاری^۸، ۱۹۹۴).

مهمترین وظیفه ی متخصصان بهداشت روانی، بالا بردن سطح سلامت مراجعان است. نظام نامه های اخلاقی، جهت انسجام این روند و حمایت از متخصصان به وجود آمده است. این قوانین به عنوان راهنما و راهگشای چالش های اخلاقی و حرفه ای هستند که ممکن است مشاوران و درمانگران در صورت برخورد با دو راهی های اخلاقی، برای دریافت راهنمایی به این نظام نامه ها مراجعه کنند (مالی و ریلی^۹، ۱۹۹۹).

اگر نظام نامه ی اخلاقی، برای حل مساله ای به اندازه ی کافی جامع و مانع نباشد، باید برای حل آن به سراغ اصول اخلاقی رفت. این اصول برای تصمیم گیری درباره ی موضوعات اخلاقی که همراه با یک دو راهی اخلاقی خاص هستند، به کار می رود. دو راهی اخلاقی عبارت است از، موقعیتی که

1. Remley & Herlihy
2. Urofisky & Sowa
3. Welfel

4. Austin
5. Corey
6. Cottone & Claus

7. Hansen & Goldberg
8. Herlihy & Carey
9. Malley & Reilly

در آن باید از بین احکام اخلاقی متضاد و متناقض یکی را انتخاب کرد. نظام نامه های اخلاقی همیشه راه حل چنین دو راهی را ایجاب نمی دهد و یا نمی تواند ارایه دهد بلکه، اصول اخلاقی چارچوبی را برای حل دو راهی ها و جهت دهی به تفکر اخلاقی آینده ارایه می دهد. بنابراین مشاوران برای مواجهه با دوراهی های اخلاقی و اتخاذ تصمیمات سازنده، باید اصول و استانداردهای اخلاقی را بدانند (کیچنر، ۱۹۸۴). رعایت اصول و ملاکهای اخلاقی به جامعه تضمین می دهد که خدمات مشاوره ای در چارچوب ارزشهای اجتماعی و انتظارات اخلاقی جامعه، صورت می پذیرد. همچنین، مشاوران و روان شناسان را ملزم می کند تا به تمامیت شخصیت مراجعان احترام بگذارد (نوابی نژاد، ۱۳۸۱). هر چند معیارها و ضوابط اخلاقی در طول زمان تغییر می کند ولی اصول اخلاقی خاصی بر تمامی ضوابط اخلاق حرفه ای مشاوره و روان درمانی سایه افکنده است. بنابراین ضروری است نسبت به این اصول زیربنایی توجه خاصی صورت پذیرد (احمدی، ۱۳۸۷).

روان شناسان و مشاوران، باید به حق انتخاب مراجع احترام بگذارند و نباید از طریق تصمیم گیری برای مراجع وارد زندگی او شوند (کوری، ۱۹۹۸). اصل عدم آسیب رسانی، بنیادی ترین اصل اخلاقی برای متخصصان خدمات یاری رسان است. طبق این اصل، انجام ندادن کار، بر انجام کاری که منجر به آسیب می شود، ارجح است (حسینیان، ۱۳۸۵). چون مشاوران خود را در قبال مراجعان متخصص معرفی می کنند، وظیفه دارند به کسانی که در طلب خدمت آنها هستند کمک واقعی برسانند و با به کارگیری فنون و تکنیکهای مناسب، شانس بهبود مراجع را افزایش دهند (حسینیان ۱۳۸۵)، با عدالت رفتار کنند (کیچنر، ۱۹۸۴) صادق باشند (احمدی، ۱۳۸۷) و علایق مراجع را بر علایق خود ارجح دانسته و نسبت به مراجع وظیفه شناس باشند (حسینیان، ۱۳۸۵).

با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش بر آن بودیم تا با ایجاد یک چهارچوب قابل سنجش مرتبط با عملکرد اخلاقی، رابطه ی ویژگیهای شخصیتی را با این عملکرد مورد مطالعه قرار دهیم.

روش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

در این پژوهش ۱۱۰ نفر از روان شناسان و مشاورانی که در مراکز و دفاتر مشاوره ی خصوصی و دولتی شهر تهران به مشاوره و روان درمانی مشغول بودند، به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزار

پرسشنامه ی پنج عاملی ان ای او^۱ (NEO): این پرسشنامه در سال ۱۹۸۵ توسط کاستا و مک کری^۲ ساخته شد و در سال ۱۳۷۸ توسط حق شناس در ایران هنجار شد. این پرسشنامه ی ۲۴۰ سوالی، ۵ ویژگی اصلی و ۳۰ ویژگی فرعی را مورد بررسی قرار می دهد. ویژگیهای اصلی مورد سنجش در این پرسشنامه شامل، عصیت یا بی ثباتی هیجانی، برونگرایی، باز بودن، توافق و وجدانی بودن است. پایایی و اعتبار این پرسشنامه در حد قابل قبولی مورد قبول قرار گرفته است (حق شناس ۱۳۸۵).

پرسشنامه ی محقق ساخته: این پرسشنامه ی ۵۰ سوالی، به منظور ارزیابی عملکرد اخلاق حرفه ای مشاوران و روان شناسان و با استناد به اصول و معیارهای اخلاقی در مشاوره و روان درمانی (کوری، کوری و کالانان، ۲۰۰۰؛ ولفل، ۲۰۰۲؛ کاتان و تاریداس، ۱۹۹۸؛ اچ سین و ماکر، ۲۰۰۴؛ هری و کوری، ۱۹۹۶؛ کوری، ۱۹۹۳؛ انجمن آمریکایی مشاوره و رشد، ۱۹۸۱؛ انجمن مشاوره آمریکا، ۲۰۰۲؛ انجمن روان شناسی آمریکا، ۲۰۰۲) تهیه شده است. ابتدا این پرسشنامه، به منظور بررسی اعتبار محتوایی در اختیار متخصصان و اساتید قرار گرفت و پس از دریافت نظرات و پیشنهادات آنان فرم نهایی این پرسشنامه، شامل ۵۰ سوال با مقیاس پنج درجه ای لیکرت آماده شد. سوالات پرسشنامه، براساس استانداردهای اخلاقی شامل چهار مقیاس اصلی تحت عنوان سودمندی، عدم آسیب رسانی، خودمختاری و عدالت است.

یافته ها

در جدول ۱، داده های دموگرافیک گروه نمونه ارائه شده است. همان گونه که در این جدول می بینیم ۷۵/۵ درصد گروه نمونه، فوق لیسانس و ۲۴/۵ دکترای تخصصی دارند، در بررسی رشته های تحصیلی گروه نمونه، همانگونه که در جدول شماره ۱ ارائه شده است ۶۸/۲ درصد روان شناسی عمومی، ۳۱/۸ درصد مشاور و ۱۸/۲ درصد روان شناس بالینی هستند و ۳۲/۷ درصد آنها در طول هفته بین ۶ تا ۱۰ مراجع می بینند. ۶۷ درصد افراد مورد مطالعه بیش از ۵ سال سابقه روان درمانی و مشاوره دارند، ۶۲ نفر آنها (۵۶/۴ درصد) زن و ۴۸ نفر (۴۳/۶ درصد) مرد هستند (جدول ۱).

جدول ۱: اطلاعات دموگرافیک جمعیت مورد بررسی

نوع متغیر	سطح	فراوانی	درصد
نوع جنس	زن	۶۲	۵۶/۴
	مرد	۴۸	۴۳/۶
وضع تاهل	مجرد	۲۴	۲۱/۸
	متاهل	۸۶	۷۸/۲
سطح تحصیلات	فوق لیسانس	۸۳	۷۵/۵
	دکتری	۲۷	۲۴/۵
رشته ی تحصیلی	روان شناسی عمومی	۵۵	۵۰
	روان شناسی بالینی	۲۰	۱۸/۲
	مشاوره	۳۵	۳۱/۸
گروه سنی	۲۰-۳۹	۵۱	۴۶/۴
	۴۰-۴۹	۴۵	۴۰/۹
	۵۰ به بالا	۱۴	۱۲/۷
سابقه ی کار	۱-۵	۳۶	۳۲/۷
	۶-۱۰	۳۲	۲۹/۱
	۱۱-۱۵	۳۰	۲۷/۳
	۱۶ به بالا	۱۲	۱۰/۹
تعداد مراجع	۱-۵	۱۶	۱۴/۵
	۶-۱۰	۳۶	۳۲/۷
	۱۱-۱۵	۲۳	۲۰/۹
	۱۶ و بیشتر	۳۵	۳۱/۸

به منظور بررسی میزان همبستگی بین ویژگیهای شخصیتی با عملکرد اخلاق حرفه ای مورد نظر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۲). همانگونه که در جدول ۲ ملاحظه می شود، بین بی ثباتی هیجانی با اصول سودمندی، خودمختاری و عدالت، به ترتیب به میزان ۰/۳۱-، ۰/۲۳- و ۰/۳۲- همبستگی وجود دارد. این بدان معنی است که افرادی که گرفتار حالات عصبی و نوروتیک هستند و از احساسات منفی همچون ترس، غم و برانگیختگی رنج می برند، کمتر از سایر متخصصان اصول اخلاقی را در کارشان رعایت می کنند. همچنین ملاحظه شد که بین ویژگی برونگرایی با سودمندی و عدالت، به ترتیب به میزان ۰/۲۱ و ۰/۳۰ همبستگی وجود دارد. بعبارت دیگر، افراد

برونگرا در مقایسه با افراد درونگرا نسبت به مراجعاتشان سودمندتر بوده و اصل عدالت را بیشتر رعایت می کنند.

جدول ۲: ضرایب همبستگی ویژگیهای شخصیتی با اصول اخلاق حرفه ای

C	A	O	E	N	
وجدانی بودن	توافق	باز بودن	برونگرایی	بی ثباتی هیجانی	
** ۰/۴۰	۰/۱۲	** ۰/۲۸	* ۰/۲۱	** -۰/۳۱	سودمندی
۰/۰۰۱	۰/۲۱۱	۰/۰۰۳	۰/۰۳۰	۰/۰۰۱	
* ۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۶	عدم آسیب رسانی
۰/۰۳۵	۰/۲۳۹	۰/۵۰۷	۰/۷۸۳	۰/۵۵۱	
** ۰/۲۸	۰/۱۲	* ۰/۱۹	۰/۱۱	-۰/۲۳*	خود مختاری
۰/۰۰۳	۰/۱۹۸	۰/۰۴۵	۰/۲۷۵	۰/۰۱۴	
** ۰/۴۸	** ۰/۲۷	* ۰/۲۴	** ۰/۳۰	** -۰/۳۲	عدالت
۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	
** ۰/۴۳	* ۰/۲۰	** ۰/۲۵	* ۰/۲۲	** -۰/۳۰	نمره ی کل
۰/۰۰۱	۰/۰۳۶	۰/۰۱۰	۰/۰۲۴	۰/۰۰۱	

معناداری در سطح ۰/۰۱ (***) در سطح ۰/۰۵ (*)

رابطه ی باز بودن با اصول اخلاق حرفه ای نشان می دهد که بین ویژگی باز بودن با اصول اخلاق سودمندی، خودمختاری و عدالت به ترتیب ۰/۲۸، ۰/۱۹ و ۰/۲۴ همبستگی وجود دارد و ویژگی شخصیتی توافق، تنها با اصل اخلاقی عدالت به میزان ۰/۲۷ رابطه ی معنی دار دارد. یافته ها، بیانگر وجود رابطه ی معنی دار بین ویژگی شخصیتی وجدانی بودن، با همه اصول اخلاقی مورد بررسی است.

بحث و نتیجه گیری

خصوصیات شخصیتی مشاور، به اندازه ای مهم است که افراد در صورت داران نبودن چنین ویژگیهایی، حتی با وجود تحصیلات و تجارب کافی نباید اجازه ی انجام این کار را داشته باشند. به نظر می رسد خصوصیات شخصیتی که برای روان درمانگران ضروری است، با تعلیم و آموزش

حاصل نمی شود. اگر بعضی صفات در ابتدای آموزش دوره ی تخصصی در این افراد وجود نداشته باشد، آنان نخواهند توانست درمانگران مفیدی باشند، حتی اگر برنامه ی آموزش در سطح عالی باشد، زیرا آموزش، فقط خصوصیات شخصیتی افراد آماده و علاقمند به شغل را تقویت می کند (خاکپور ۱۳۷۴). یک مشاور، باید پای بند به اصول اخلاقی باشد تا بتواند با اتخاذ تصمیمات اخلاقی برای مراجعانش سودمند باشد (احمدی، ۱۳۸۷). مشاوره و روان درمانی، ضوابط اخلاقی وسیعی دارد که حداقل استانداردهای رفتاری مشاور و درمانگر را مشخص می کند. تعهدات اخلاقی، مستلزم عملکرد اخلاقی است و ارتقا معیارهای اخلاقی مستلزم دستیابی به استانداردهای مطلوب رفتاری است. درمانگرایی که به ضوابط اخلاقی سطح بالا متعهد هستند، درصدد ارایه ی هر نوع خدمت حرفه ای به مراجعانشان هستند که برای آنها مفید است (هرلی و کوری، ۱۹۹۴).

یافته های این پژوهش، نشان داد که بطور کلی بین ویژگیهای شخصیتی و رعایت اخلاق حرفه ای در میان مشاوران و روان شناسان، رابطه ی معنی دار وجود دارد. طبق این نتایج، بین عصیت یا بی ثباتی هیجانی به عنوان یکی از ویژگیهای شخصیتی و اصول اخلاقی مورد لزوم برای مشاوران و درمانگران رابطه ی معکوس و معناداری وجود دارد. این رابطه، بیانگر آن است که افرادی که گرفتار حالات عصبی و نورتیک هستند و از داشتن احساسات منفی همچون ترس، غم و برانگیختگی رنج می برند نسبت به سایر همکاران شان کمتر اصول اخلاق حرفه ای را در کارشان رعایت می کنند. تحقیقات کوهن و ویلیامسون (۱۹۹۱) نیز نشان داد که بی ثباتی هیجانی و درونگرایی، دو ویژگی مهم شخصیتی هستند که افراد را در معرض بیماری قرار می دهند و افرادی که دارای این دو ویژگی هستند فاقد مهارتهای اجتماعی اند. دنو و کوپر (۱۹۹۸) در تحقیقی دیگر نشان دادند که عصیت و بی ثباتی هیجانی، مهمترین پیش بینی کننده ی عاطفه ی منفی و پایین بودن رضایت از زندگی است. بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش حاضر و پژوهشهای فوق، ضروری است که مشاوران و روان شناسان در راستای ارایه ی خدمات بهتر به مراجعان از ثبات هیجانی قابل قبولی برخوردار باشند.

همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که برونگرایی با رعایت اصول اخلاق حرفه ای رابطه ی مستقیم و معناداری دارند. کسانی که اجتماعی تر، دوستدار دیگران، هیجان خواه، فعال و اهل گفتگو هستند از عملکرد اخلاق حرفه ای بهتری برخوردارند. رابطه ی بین برونگرایی با اصول اخلاق حرفه ای نشان داد که هر اندازه مشاوران، با محبت و صمیمی باشند و ارتباط دوستانه تری با دیگران داشته باشند، برای مراجعانشان سودمندترند و احساس مسوولیت بیشتری نسبت به مراجعان نشان

می دهند، به استقلال، حق انتخاب و حق تصمیم گیری مراجعان احترام می گذارند و در نهایت صادق و وظیفه شناسند. جونز و سریواستاوا (۱۹۹۹) به نقل از کار، (۲۰۰۴) در یک تحقیق نشان دادند که بعد برونگرایی با سازگاری اجتماعی خوب، موفقیت در رهبری و مدیریت ارتباط دارد. دنو و کوپر (۱۹۹۸) نیز در تحقیق خود نشان دادند که برونگرایی، مهمترین پیش بینی عواطف مثبت است. بنابراین دارا بودن ویژگی برون گرایی برای مشاوران و روان شناسان ضرورتی تام دارد.

از دیگر نتایج این تحقیق، وجود رابطه ی معنادار بین بازبودن و عمل به اصول اخلاقی است. به عبارت ساده تر، این تحقیق نشان داد افرادی که از نظر گاه های محدودتری برخوردارند و گستره ی علایق محدودتری دارند از نظر اجتماعی، بسته و از نظر سیاسی محافظه کارند؛ مقایسه با افرادی که لذت طلبند و زندگی آنان سرشار از تجربه بوده و احساسات مثبت و منفی فراوانی داشته اند از عملکرد اخلاق حرفه ای پایین تری برخوردارند.

بر اساس نتایج بدست آمده می توان گفت مشاورانی که در برابر مراجعان، مسوولیت بیشتری احساس می کنند و از فنون و تکنیکهای مناسب برای بهبودی مراجع استفاده می کنند و از هیچ کاری برای سودرسانی و نیکو کاری در قبال مراجع فروگذار نیستند، از نظر شخصیتی، دارای آمادگی لازم برای بازبینی ارزشهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی هستند، ذهن گسترده ای دارند و از چالش و معما لذت می برند.

یافته های این پژوهش، بیانگر این واقعیت است که بین عملکرد مبتنی بر اخلاق حرفه ای و توافق رابطه ی مستقیم و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، افرادی که نوع دوستند و با دیگران احساس همدری می کنند و مشتاق کمک به آنان هستند، در مقایسه با افرادی که خود محورند و به قصد و نیت دیگران مظلوند و بیشتر اهل رقابت هستند تا همکاری، در ارتباط با اصول اخلاق حرفه ای عملکرد بهتری دارند.

در سال ۱۹۶۹ کمز^۱ اعلام کرد، مجموعه مطالعات آنها نشان می دهد که تفاوت اصلی بین مشاور موثر و غیر موثر در عقاید و خصایص شخصی خود آنهاست. لذا با توجه به یافته های این پژوهش می توان گفت که توجه بیشتر به ویژگیهای شخصیتی اهالی این حرفه می تواند به ارتقای بیشتر عملکرد اخلاقی و حرفه ای متخصصان و در نهایت افزایش بهداشت روانی جامعه، منجر شود. بدیهی است نادیده گرفتن اصول اخلاقی و حرفه ای، تبعات و آسیب های فراوانی برای مراجع بدنبال

خواهد داشت و اقبال عمومی و اعتماد آحاد جامعه را نسبت به این حرفه مخدوش خواهد ساخت. این در حالی است که متاسفانه، فارغ التحصیلان رشته های روان شناسی و مشاوره به منظور دریافت مجوز فعالیت از نظر ویژگیهای شخصیتی ارزیابی نمی شوند. ورود همه ی افراد، بدون در نظر گرفتن ویژگیهای شخصیتی به این رشته ها آزاد است؛ دانشجویان رشته ی روان شناسی و مشاوره در مدت تحصیل اطلاعات کافی در خصوص اخلاق حرفه ای دریافت نمی کنند و پژوهشهای علمی در این زمینه بسیار ناچیز است.

منابع فارسی :

احمدی ، خدابخش. (۱۳۸۷). *مباحث اخلاقی در مشاوره و روان درمانی*، تهران، انتشارات دانشه پروین، جان (بی تا). *شخصیت، نظریه ، پژوهش*. ترجمه ی محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، () تهران، نشر آبیژ

حسینیان ، سیمین. (۱۳۸۵). *اخلاق در مشاوره و روان شناسی*، تهران انتشارات کمال تربیت حق شناس ، حسن. (۱۳۸۵). *طرح پنج عاملی ویژگیهای شخصیت*، دانشگاه علوم پزشکی شیراز خاکپور، رضا. (۱۳۷۴). *ویژگیها و صلاحیتهای شخصیتی مشاوران و روان درمانگران*. دانشگاه علامه طباطبایی

شولتز، دوان. (۱۹۹۷). *نظریه های شخصیت*. ترجمه ی یحیی سید محمدی، (۱۳۷۸). تهران، نشر ویرایش

نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۱). *ارزشها وملاحظات فرهنگی و اخلاقی و قانونی در مشاوره*. سازمان ملی جوانان

Ahmadi, Z. Akhavi, F. Raiisi & Ali- Akbar Rahimi . (2008). Baqiyatallah Medical Sciences University , Behavioral Sciences Research Center , Tehran , Iran . Evaluating the Rate of Observing Ethics amon Counselors Psychologists. *Journal of Applied Sciences*, ISSN 1812-5654 .

American Association of pastoral counselors. (1995). AAPC . Ethics , Retrived 2004 with : World Wide Web: <http://www.aapc.org/ethics/htm> .

American counseling Association .(2002). *Ethics Retrived*.World Wide Web : <http://WWW.counseling.org/resources/ethics> .

American Counseling Association.(1995).*Code of Ethics and Standards of practice*. Alemandria,VA.Author .

- Austin, K.M., Moline, M. M., & Williams, C.T. (1990). *Confronting malpractice legal and ethical dilemmas in psychotherapy*. Newbury Park, CA; Sage.
- Bradley, L., Kottler, J., & Lehrman-Waterman, D. (2001). Ethical issues in supervision. In L. Bradley & N. Ladany (Eds.), *Counselor Supervision: Principles, and practice* (pp.342-361). Philadelphia, PA : Taylor & Frances/Brunner-Routledge.
- Carr, Alan. (2004). *Positive Psychology: The Science of Happiness and Human Strengths*. Hove and New York: Brunner – Routledge/Taylor and Francis Group.
- Chae, M. H., Kelly, D. B., Brown, C.F., & Bolen, M. A. (2004). Relationship of ethnic identity and spiritual development : An exploratory study. *Counseling and Values*, 25,15-27.
- Cohen, S. & Williamson, G.M. (1991). Stress and infectious disease in human. *Psychological Bulletin*, 109,5-24.
- Combs, A., Soper, D., et al. (1969). *Florida studies in the helping professions*. Gainesville: University of florida Press.
- Corey, G., Corey, M. S., & Callanan, P. (1993). *Issues and Ethics in the Helping Professions*. 5th Edition. Brooks/Cole Publishing Company, Pacific Grove, California. ISBN: 0-534-18762-5.
- Corey, G., Corey, M.S., & Callanan, P. (Eds.). (2004). *Codes of ethics for the helping professions* (2nd ed.) Pacific Grove, CA : Brooks/Cole-Thompson Learning.
- Corey, G., Corey, M.S., & Callanan, P. (2003). *Issues and ethics in the helping professions* (6th ed.). Pacific Grove, CA : Brooks/Cole-Thompson Learning.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1976). Age differences in personality structure: A cluster analytic approach. *Journal of gerontology*, 31(5), 564-570.
- Cottone, R. R., & Tarvydas, V. M. (1998). Ethical and professional issues in counseling. Upper Saddle River, NJ: Merrill/ Prentice – Hall. *Ethical standard*. American Association for counseling and Development.
- Cottone, R. R., & Claus, R.E. (2000). Ethical decision-making models : A review of the literature. *Journal of Counseling and Development*, 78,275-283.
- DeNeve, K. and Cooper, H. (1998). The happy personality: a meta-analysis of 137 personality traits and subjective well-being. *Psychological Bulletin* 124: 197-229.
- Hansen, N.D., & Goldberg, S.G. (1999). Navigating the nuances : A matrix for consideration of ethical – legal dilemmas. *Professional Psychology. Research and Practice*, 30,495 -503. Ethical Issues 12.

- Herlihy, B., & Carey, G. (1996). *Ethical standards Casebook* (5th ed.). Alexandria, VA: American Counseling Association.
- Hsin DH. & Macer D, R. (2004). Professional roles and ethics of health care worker, *Journal of Infect*, 49 (3): 210 – 5 .
- Kitchener ,K.S. (1984). Intuition , critical evaluation, and ethical principles : The foundation for ethical decisions in counseling psychology . *The Counseling Psychologist* , 12,43-55.
- Levy,C.S.(1972). The context of social work ethics . *Social Work* , 17,95-101.
- Losito,W.F.(1980). The argument for including moral philosophy in the education of counselors. *Counseling and Values*, 25,40-46.
- Malley, P. B., and Reilly, E. P. (1999). Legal and ethical dimensions for eale, M . John; Davison , C. Gerald ; Kring , M . Ann ; Johnson , L . *Mental health professionals*. Taylor and Francis Publishers .
- Remley,T.P.,& Herlihy,B.(2005) .*Ethical, legal and professional issues in counseling* (2nd ed.). Upper Saddle River, NJ: Merrill/Prentice Hall.
- Urofisky, R.,& Sowa , C.(2004) . Ethics education in CACREP – accredited counselor education programs . *Counseling and values*, 49,37-47 .
- Van Hoose,W.H.(1980). Ethics and counseling . *Counseling and Human Development*, 13.1-13 .
- Welfel, E. R. (2002). *Ethics in counseling and psychotherapy Standards, Research, and Emerging Issues*. Brooks/ Cole Publishing Company.
- Wise, L.Cl. (2007). *Ethical issues confronted in pulmonary clinical trials, Proceedings of the American Thoracis Society* , Voume 4, Issue 2, May 2007 , Pages 200-205.